

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۱۰

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۹/۰۹

صفحات: ۲۵-۴۳

بررسی و تحلیل سیر تحولات حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در ایران

فوزیه کشاورز

دانشجوی دکتری تخصصی گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

حمید ضرابی*

استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

کورثی استوار سنگری

استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

بابک باصری

استادیار گروه حقوق عمومی، دانشکده علوم انسانی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

چکیده

حقوق زنان بیش از گذشته، امروزه در کانون توجه جوامع بشری و نهادهای سیاسی و اجتماعی قرار گرفته است که اگر بدان توجه نشود صرفنظر از لطمه به سلامت جسمی و روانی زنان، مشکلات عدیده‌ای را در جوامع ایجاد خواهد کرد، به هر حال زنان نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. ستم‌ها و ناروایی‌هایی که در طول تاریخ بر جامعه زنان تحمیل شده قانونگذار بین‌المللی و داخلی را به سمت وضع قوانین و مقرراتی برای جلوگیری از این ستم‌ها و حمایت از حقوق زن در تمامی زمینه‌ها سوق داده است؛ ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. در ایران، با انقلاب مشروطه در سال ۱۳۰۴ هجری شمسی اولین قانون اساسی نوشته شد و علیرغم تلاش زنان در ظهور این جنبش، در اولین قانون اساسی و متمم آن نامی از زنان برده نشد و لیکن بعداً قوانین عادی بسته گریخته در خصوص زنان قوانینی را وضع کردند. با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران توجه بیشتری به حقوق زنان شد و خانواده واحد بنیادین و نهادی مقدس تلقی شد و همچنین مجلس شورای اسلامی بیشتر از قبل در خصوص حقوق سیاسی و اجتماعی زنان قوانینی را وضع کرد و رفته رفته نیز شاهد تغییرات مثبتی در قوانین ایران در خصوص زنان هستیم؛ در این مقاله با روش تحقیق توصیفی - تحلیلی تلاش شده است که تحولات قانونگذاری کشور ایران در خصوص زنان، از قاجاریه تا به امروز بیان شود.

واژگان کلیدی: زنان، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی، تاریخ مشروطه، قانون‌مداری.

* hamidzarrabiab@gmail.com

مقدمه

بدیهی است که وقتی سخن از حقوق زنان به میان می‌آید در بردارنده همه حق‌های آنان در حوزه حقوق عمومی از جمله حقوق مدنی و سیاسی و اجتماعی و در حوزه خصوصی شامل موضوعاتی نظیر ازدواج، ارث، حضانت فرزند و ... می‌باشد. با بررسی پیشینه زنان در ادوار تاریخی محرز می‌گردد که زنان همیشه نسبت به مردان در وضعیت فرودستی قرار داشتند و موقعیت‌های خاص اجتماعی و مزایا، خاص مردان بوده گرچه که به ندرت اتفاق می‌افتاد که زنی در موقعیت خوبی قرار داشته باشد که این یک استثنا بوده نه قاعده؛ در همه جوامع تاریخی اعم از ایران باستان و عرب جاهلی و اروپای قرون وسطی این فرودستی به خوبی نمایان است: به ارث برده شدن بیوه زنان از جانب نزدیکان همسر، زنده به گور کردن دختران در دوره جاهلیت و ... نمونه‌هایی از تحقیر و تضییع حقوق آن‌ها بوده است.

سیر تحول احیای حقوق زن داستانی مفصل دارد؛ در غرب با پایان قرون وسطی و آغاز عصر رنسانس و پس از آن روشنگری و شکل‌گیری جنبش‌های فمینیستی، آرام آرام زنان در جهت احیای حق‌های از دست رفته به توفیقات بزرگی دست یافتند. در شرق، اسلامی که ما بدان متعلق هستیم با ظهورش زمینه آزادی زن از بسیاری از تحقیرها و تبعیض‌ها و ستم‌ها فراهم کرد.

زنده به گور شدن دختران ظلم کوچکی نبود که بتوان از حافظه تاریخ زدود، در قرآن آیاتی در مذمت و نکوهش این عمل ذکر شده^۱، قبل از اسلام زنان نه تنها حق مالکیت نداشتند بلکه همچون کالا در کنار اموال متوفی به ارث برده و خرید و فروش می‌شدند ولیکن اسلام از قرن‌ها قبل حق مالکیت را برای زنان، به رسمیت شناخت و به هیچکس حق تصرف در اموال آنان را نداد.

با فتح ایران از سوی اعراب مسلمان، کشور ما در جرگه حقوقی اسلام قرار گرفت، در اینجا با گذر از یک دوره هزار و دویست ساله با بر سر کار آمدن سلسله قاجاریه در ایران، وضعیت جدیدی روبرو می‌شویم که در آن حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی زنان دچار تحول جدیدی می‌شود.

در کشور ایران از زمان قاجار تحولاتی در خصوص زنان صورت گرفت که در زمان مشروطیت به اوج خود رسید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در پی تغییرات ساختار

۱. از جمله آیه ۱۴۰ سوره انعام «قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ». البته آنان که فرزندان خود را به سفاقت و نادانی کشتند و آنچه را که خدا نصیبشان کرد با افترا به خدا حرام شمردند زیانکارند. اینان سخت گمراه شدند و هدایت نیافتند.

_____ بررسی و تحلیل سیر تحولات حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در ایران ۵

جامعه جایگاه زن در جامعه متحول گردید و حضور زنان براساس ضوابط شرع اسلام تعریف شد و سهم مشارکت آن‌ها در عرصه‌های اداری و سیاسی و فرهنگی نسبت به قبل سرعت یافت و از زمان مشروطیت تا به امروز روز به روز قوانین بیشتری در خصوص زنان وضع می‌شود. گرچه که هنوز نه تنها در ایران بلکه در کلیه کشورها حقوق زنان کامل ادا نگردیده و کاستی‌هایی وجود دارد و لیکن امید می‌رود با توجه به جایگاه ویژه زن قوانین بیشتری در جهت احقاق حقوق زنان وضع و اجرا گردد.

حال این سوال مطرح است که آیا تحولات قانونگذاری در کشور ایران توانسته است آنچه زنان آن را به عنوان حق خود طلب می‌کرده‌اند، به آن‌ها واگذار کند؟ در این زمینه فرضیه این مقاله بر این گزاره استوار است که علیرغم تحولات بسزایی که ایران در خصوص حقوق قانونی زنان داشته، هنوز نتوانسته زنان را در خصوص قوانین و مقررات موضوعه مرتبط با حقوق آن‌ها اقناع کند. مقاله حاضر در نظر دارد تحولات قانونگذاری ایران در خصوص زنان را از دوره قاجاریه تاکنون، بیان و بررسی نماید لذا در این مقاله ابتدا از حقوق زنان در دوره قاجاریه سخن به میان آورده می‌شود و سپس قانون اساسی مشروطیت و جمهوری اسلامی ایران و بعد از آن نیز قوانین عادی هر دو دوره مورد مذاقه و بررسی قرار می‌گیرد.

۱. حقوق زنان از قاجاریه تا صدور فرمان مشروطیت

زنان در تمام ادوار تاریخ همواره به عنوان افراد مهمی در جامعه تلقی می‌شوند که علاوه بر امور روزمره، در کارهای اجتماعی و سیاسی نیز شرکت کرده‌اند و از این حیث دارای ارزش‌هایی در جامعه هستند. اما این افراد در زمان قاجار دارای کمبودها و محدودیت‌هایی در زمینه‌های مختلف اجتماعی بودند که شواهد ادبی این گفته را اثبات می‌کند. از سرودهای شعری دوره قاجار و نویسندگانی نظیر اعتمادالسلطنه چنین بر می‌آید که بانوان در دوره قاجار علاوه بر عدم برخوردارگی از آزادی بیان، در کارهای حکومتی و سیاسی حق هیچگونه مشارکت را نداشته‌اند و حتی کسانی مانند اعتمادالسلطنه در کتاب خاطراتش، وضعیت اسفبار زنان را هم‌ردیف و حوش معرفی می‌کند (افشار بدر، ۱۳۹۷: ۱۸). زن در خانه بود و تقریباً هیچ ارتباطی با خارج از محیط خانواده نداشت. عقیده عمومی بر این بود که زن مطلقاً باید مطیع اوامر شوهر باشد و از این رو دختران به گونه‌ای تربیت می‌شدند که پس از ازدواج شخصیت خود را در مقابل شخصیت شوهر فراموش کنند و تولید نسل، نگهداری و پرورش فرزندان را وظیفه شرعی و اصلی خود بدانند. در خارج از محیط خانه و خانواده، فعالیت و کوشش اجتماعی تنها منحصر به مردان بود. هیچگاه زنان در این فعالیت‌ها شرکت نداشتند و فقط در تعدادی از مشاغل اجتناب‌ناپذیر مانند کارگری در حمام زنانه، آرایشگری، مشاطه‌گری، حجامت زنان و دختران، پرستاری از زنان بیمار، کفتری و

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰

شیردادن به بچه حضور زنان مشاهده می‌شد (مومنی، ۱۳۸۵ : ۱).

با نگاه کلی به روند مشارکت زنان معلوم می‌شود که بیشترین تغییر در خصوص حرکت آنان جهت احقاق حقوقشان در دوره معاصر بوده است و حضور آنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و فرهنگی و اجتماعی در دوره مذکور بیشتر به چشم می‌خورد. در دوره قاجار بخصوص اواخر دوره، شرایط به یکباره تغییر می‌کند و زنان کم‌کم خواستار حقوق خود می‌شوند و حتی روزنامه منتشر می‌کنند و انجمن‌ها و سازمان‌هایی تشکیل می‌دهند، در حالی که در دوران قبل از قاجار زنان حرکتی برای احقاق حق خود انجام نمی‌دادند.

۲. سیر تحول حقوق سیاسی و اجتماعی زن در قوانین اساسی

از صدور مشروطیت تا کنون قانون اساسی در هر کشور سند اصلی تنظیم روابط بین ملت و حکومت است. معمولاً اهداف اساسی که در یک جامعه تعقیب می‌شود، در قانون اساسی گنجانده می‌شود. تاریخ معاصر ایران دو قانون اساسی را در خود جای داده است، نخست قانون اساسی مشروطه و دوم قانون اساسی جمهوری اسلامی، که هر کدام مشخصات و مختصات خود را دارد که متعاقباً دیدگاه هر دو قانون در خصوص حقوق زن بیان می‌گردد.

۲.۱. قانون اساسی مشروطه

اولین قانون به شکل مدون آن در ایران، قانون اساسی مشروطه مصوب ۸ دی ۱۲۸۵ خورشیدی بود با امضای مظفراالدین شاه، این قانون ۵۱ ماده‌ای تا سال ۱۳۵۷، سال وقوع انقلاب اسلامی و تحقق نظام جمهوری اسلامی مبنای نظم جدید حقوقی و سیاسی ایران بود. تا قبل از مشروطیت، کشور ایران قانون اساسی نوشته و مدونی نداشت و آنچه رسمیت داشت احکام دینی بود که توسط فقها استنباط و اعلام می‌شد و در دادگاه‌ها براساس آن توسط فقها داوری می‌شد و لذا فقها تنها احکام خداوند را استنباط می‌کردند و در دادگاه‌ها نیز تنها احکام الهی بود که براساس آن توسط فقها بر مردم داوری می‌شد. هنگام تصویب قانون اساسی مشروطیت علاوه بر نزاع میان روحانیون و روشنفکران بین خود روحانیون نیز در بحث تعارض قوانین با شرع اختلافاتی وجود داشت، از طرفی به دلیل تعجیل در تصویب قانون اساسی و عدم شمول آن بر همه اصول لزوم ضروری‌الذکر در کمتر از یک سال و متمم آن در در ده فصل و ۱۰۷ ماده به تصویب رسید. در متمم قانون اساسی فصلی به نام حقوق ملت اضافه شده و در آن به مسائلی مثل امنیت قضایی و عدم محکومیت بدون قانون، امنیت اقتصادی و مالکیت، آزادی اجتماعات و انجمن‌ها و آزادی مطبوعات اشاره شد. ایجاد حکومت قانون و پارلمان و مشارکت آزاد گروه‌ها در زندگی سیاسی از خواست‌های عمده نهضت مشروطه بود که بیش و کم در اصول قانون اساسی

_____ بررسی و تحلیل سیر تحولات حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در ایران ۵
آن نمودار شد.

وقتی به اصول مختلف قانون اساسی نظری می‌افکنیم به نظر می‌رسد آنچه تدوین‌کنندگان قانون اساسی و متمم آن بر آن تاکید داشتند تفکیک قوا و محدود کردن قدرت مطلق پادشاه و به رسمیت شناختن استقلال قوه قضائیه است و شاید بتوان گفت نظام حقوقی موجود از نظر ماهوی برای تدوین‌کنندگان قانون اساسی مشروعیت داشته است و مسائلی مانند قصاص و حدود و دیات در حقوق کیفری و محرومیت زنان در حقوق سیاسی و حقوق مدنی چندان محل ایراد مشروطه‌خواهان نبوده و تدوین‌کنندگان قانون اساسی مشروطه بیشتر خواهان محدود و مشروط کردن قدرت مطلقه هیات حاکمه بودند.

در قانون اساسی مشروطه ایران، با توجه به جو موجود جامعه آن زمان و جایگاه و موقعیت زنان ایران، در خصوص مشارکت سیاسی زنان و حق رای آن‌ها سخنی به میان نیامد. بعدها از این جمله در قانون اساسی که «قاپطه اهالی مملکت» در انتخاب نمایندگان مجلس حق رای توانند داشت، این چنین تعبیر گردید که زنان نیز می‌توانند حق رای داشته باشند. حال با عنایت به مطالب معنونه محرز گردید که علیرغم تمامی تلاش زنان در کنار مردان در ظهور انقلاب مشروطه، در قانون اساسی مشروطه و متمم آن سخنی از زنان به میان نیامده بوده است.

۲.۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

همانطور که بیان گردید اولین قانونی که در ایران مورد استفاده قرار گرفت قانون اساسی مشروطیت بود و این قانون تا سال ۱۳۵۷ که حکومت مشروطه در ایران از میان رفت، قانون اساسی ایران بود که در هیچ کدام از مواد آن در خصوص زنان سخنی به میان نرفته بود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، رهبران انقلاب تغییرات وسیعی را در تمام ابعاد جامعه مدنظر داشتند. از جمله این تغییرات ایجاد تحول در موقعیت زن در جامعه براساس ارزش‌های اسلامی بود. اهم آنچه را که رهبران در نظر داشتند در مقدمه قانون اساسی تحت عنوان زن در قانون اساسی بیان کردند. در خود قانون اساسی نیز اصولی اندیشیده شد که این اصول در پی تامین و تثبیت حقوق زن در جامعه ایرانی می‌باشد. (رنجبر، فرخی، ۱۳۸۵: ۵).

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان ((زن در قانون اساسی)) آمده است: «در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استثمار همه جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰

انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است، زن در چنین برداشتی از واحد خانواده از حالت (شیء بودن) و یا (ابزار کار بودن) در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده و ضمن باز یافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ و خود هم‌مرز مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسؤلیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود».

این مقدمه نشان‌دهنده نگرش اسلامی حاکم بر قانون اساسی و قوانین عادی است که خانواده را به عنوان یک اصل، مورد توجه قرار داده و زن در خانواده، ضمن باز یافتن وظیفه خطیر و پر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی، در میدان‌های حیات اجتماعی و سیاسی نیز فعالیت و مشارکت دارد. (قنواتی، ۱۳۷۹: ۴).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در دیباچه خود منزلت والائی برای زن قائل شده و وعده می‌دهد: ((زنان به خاطر ستم بیشتری که تاکنون در نظام طاغوتی متحمل شده‌اند، استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود)). همچنین منزلت برابر زن و مرد مورد توجه قرار گرفته و دولت موظف به: ((تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و... تساوی عموم در برابر قانون)) شده است. این برابری اصولی البته در چهارچوب موازین اسلامی طراحی شده است. بنابراین ((همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند)). به همین جهت، هر جا که قوانین اسلامی تمایزات حقوقی خاصی را بین زنان و مردان قائل است، نظام جمهوری اسلامی نسبت به آن متعهد و وفادار خواهد بود. (هاشمی، ۱۳۹۱: ۵۳۴).

علاوه بر مقدمه مذکور اصولی از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز صریح به موضوع زنان پرداخته است که بیان می‌گردد: اصل سوم قانون اساسی: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای نیل به اهداف مذکور بکار برد... مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی... تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون».

اصل بیستم قانون اساسی: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

اصل بیست و یکم قانون اساسی: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت

_____ بررسی و تحلیل سیر تحولات حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در ایران ۵

موازین تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او - حمایت مادران، به خصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت کودکان بی‌سرپرست؛ ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده؛ ایجاد بیمه خاص بیوه‌گان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست؛

۵ - اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آن‌ها در صورت نبودن ولی شرعی)).

ضمانت اجرای نوید مذکور بند ۱ اصل بیست و یکم قانون اساسی است که در آن دولت را موظف به ((ایجاد محیط مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او)) نموده است.

در مقدمه و اصول مزبور، توجه به مصالح عمومی جامعه، تقویت و حفظ نهاد مقدس خانواده و وضعیت طبیعی و روحی زن پیداست و نه تنها مانع مشارکت زن در تعیین سرنوشت خود و جامعه نیست بلکه زنان را هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات اجتماعی می‌داند. (قنواتی، ۱۳۷۹، ص ۴).

قانون اساسی جمهوری اسلامی به صراحت، مشارکت زنان را در جنبه‌های سیاسی و اجتماعی و... تأیید می‌کند. در قوانین عادی نیز به جنبه‌هایی از مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان توجه شده است. روشن است که مهمترین انواع مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی، حق انتخاب شدن و انتخاب کردن در انتخابات گوناگون از جمله مجلس قانونگذاری است.

پس از انقلاب اسلامی ایران، قانون اساسی در اصل ۶۲، شرایط انتخاب کننده و انتخاب شونده را به قانون عادی، موکول ساخته و قانون عادی در سال ۱۳۵۸ فصل دوم قانون انتخابات را به آن اختصاص داد که بموجب آن زنان همانند مردان، حق انتخاب کردن دارند.

با عنایت به مطالب عنوان شده می‌توان برای زنان، حق انتخاب شدن در شورای نگهبان و مجلس خبرگان و مجالس تقنینی و ... را پذیرفت. به عنوان مثال، در اصل ۹۱ برای زنان جهت حضور در شورای نگهبان محدودیتی وجود ندارد. اصل ۹۱ قانون اساسی: «به منظور پاسداری از احکام اسلام و قانون اساسی از نظر عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با آن‌ها شورایی بنام شورای نگهبان با ترکیب زیر تشکیل می‌شود: شش نفر از فقهای عادل و آگاه به مقتضیات و مسایل روز، انتخاب این عده با مقام رهبری است شش نفر حقوقدان، در رشته‌های مختلف حقوقی از میان حقوقدانان مسلمان که بوسیله رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می‌شود و با رأی مجلس انتخاب می‌گردند.» تنها استثناء بر اصل فوق سمت ریاست جمهوری است که در اصل ۱۱۵ عنوان شده رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی انتخاب گردد.

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ ———

اصل ۱۱۵: رئیس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی که واجد شرایط زیر باشند انتخاب گردد: ایرانی‌الاصل، تابع ایران، مدیر و مدیر، دارای حسن سابقه و امانت و تقوا، مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور. این اصل تاب تحمل تفسیری را نیز دارد که رجال را به مزکرها ترجمه نمی‌کند اما تفسیر رسمی فعلی شورای نگهبان این است. با توجه به مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی نیز این مطلب قابل دفاع است.

در راستای عمل به قانون اساسی به خصوص اصل بیست و یکم آن که جنبه عملی‌تری نسبت به اصول بیستم و .. قانون اساسی دارد، چند قانون عادی نیز تصویب گردید، از جمله قانون تامین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب ۲۸/۷/۱۳۷۱، قانون اختصاص تعدادی از دادگاه‌های موجود به دادگاه‌های موضوع اصل ۲۱ قانون اساسی (دادگاه خانواده) مصوب ۱۹/۵/۱۳۷۶ و قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی مصوب ۲۱/۲/۱۳۸۳. (رنجبر و فرخی، ۱۳۸۵).

۳. سیر تحول حقوق سیاسی و اجتماعی زن در قوانین عادی

۳.۱. حقوق سیاسی زنان

حقوق سیاسی زنان یکی از مهمترین مسایل امروزی است. در واقع آدمیان، آزاد آفریده شده‌اند و برخوردار از این آزادی به عنوان حق در کنار حقوق دیگر افراد در کنار حق امنیت، حق حیات، حق مسکن و دیگر حقوق مادی و معنوی، حق طبیعی است که هیچکسی حق سلب آن را ندارد. به همین خاطر از دیر باز فیلسوفان و حقوقدانان ابعاد مختلف آن را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده‌اند. (حامدی، ۱۳۹۸). از حقوق سیاسی^۱ تعاریف مختلفی ارائه شده است اما به نظر می‌رسد جامع‌ترین تعریف تعریفی که می‌گوید: "حقوق سیاسی آن است که فرد بتواند در زندگی سیاسی و اجتماعی کشور خود از راه انتخاب زمامداران و مقامات سیاسی، شرکت جوید و یا به تصدی مشاغل سیاسی و اجتماعی کشور خود نائل شود و یا در مجامع، آزادانه عقاید و افکار خود را ابراز نماید" (پیمان، ۱۳۹۰).

حق انتخاب کردن و انتخاب شدن: در دوره قاجار نیز مانند دوره‌های قبل، زن تنها در خانه بود و در اجتماع و در محیط بیرون از خانه فعالیت منحصر در اختیار مردان بود. برخی حضور زن

۱. حقوق سیاسی زنان مجموعه حقوقی است که شرایط حضور زنان را به گونه‌ای مطرح می‌کند که قدرت احراز مناصب و مشاغل اجتماعی و سیاسی را داشته باشند و در همه پیش زمینه‌های آن شرایط موازنه را به جای ارائه حق تساوی در شرایط نامساوی معرفی کرده و حقوقی که زن به لحاظ انسان بودن و زن بودن، یعنی جنسیتش برای زندگی انسانی خود بدان نیازمند است، بیان کند (آزادبخت، ۱۳۹۵: ۲۰۵).

_____ بررسی و تحلیل سیر تحولات حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در ایران ♦

را در اجتماع از زمان نهضت مشروطیت بیان کرده‌اند گرچه که قبل از انقلاب مشروطیت نیز زنان در پاره‌ای تحولات نقش داشته‌اند، مانند جنبش اعتراض‌آمیز زنان علیه امتیاز توتون و تنباکو. نهضت مشروطه حاصل تلاش افراد بسیاری بود و زنان در تمام لحظات این حرکت مهم سیاسی - اجتماعی حضور فعالانه داشتند و لیکن علیرغم نقش موثر زنان در انقلاب مشروطه، آنان از حق رای محروم شدند. براساس ماده ۴ نظام‌نامه انتخابات، زنان نیز در کنار صغار، محجورین و .. از حق انتخاب و رای دادن محروم شدند و ماده ۷ آنان را از حق انتخاب شدن نیز محروم می‌کند. بعد از اینکه به پیروزی رسید همین زنان در فعالیت‌های انقلابی به بهترین شکل حضور پیدا کردند. پس از انقلاب، قانون اساسی در اصل ۶۲، شرایط انتخاب شونده را به قانون عادی محول کرد و قانون عادی نیز در سال ۱۳۵۸ به صراحت حق انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان را بیان کرد. در اصل ۹۱ در ترکیب شورای نگهبان، هیچ محدودیتی برای زنان جهت حضور در ترکیب شورای نگهبان مقرر نشده همچنین در اصل ۱۵۷ قانون اساسی در انتخاب رئیس قوه قضائیه نیز شرط مرد بودن ذکر گردیده است و ظاهراً تنها استثناء اصل ۱۱۵ در خصوص ریاست جمهوری است که در قانون برای رئیس‌جمهور از کلمه رجال استفاده شده اگرچه که تعبیر مختلفی صورت گرفته و لیکن آنچه تاکنون در عمل صورت گرفته استفاده از مردان برای سمت ریاست جمهوری بوده است. در مورد کارهای قضایی نیز با تصویب ماده واحده سال ۱۳۷۱، قضات مشاور زن پیش‌بینی گردید و اکنون نیز که زنان تصدی قضاوت در قسمت اجرای احکام را به عهده دارند. در اصل ۱۱۲ قانون اساسی هیچگونه منعی در عضویت زنان در مجمع تشخیص مصلحت نظام به میان نیامده است. لذا قانون اساسی، مانعی برای مشارکت زنان در این مجمع و سایر امور سیاسی نیست.

علاوه بر مورد فوق قانون اساسی و قوانین عادی جمهوری اسلامی ایران حقوق و مسولیت‌های سیاسی دیگری برای زنان بر شمرده است از جمله:

- ۱- حق آزادی قلم، بیان، اجتماعات با رعایت موازین
- ۲- حق تأسیس احزاب و دیگر تشکلهای سیاسی و فعالیت در آن با رعایت حفظ استقلال کشور، وحدت ملی و مصالح نظام اسلامی
- ۳- حق و مسؤلیت آگاهی از رویدادها و مسائل سیاسی جهان، به ویژه جهان اسلام حق توسعه ارتباط و تبادل اطلاعات سیاسی سازنده بین بانوان ایران و جهان با رعایت مصالح ملی و ضوابط قانونی
- ۴- حق برخورداری زنان پناهنده به جمهوری اسلامی در تأمین امنیت، سلامت و امکان بازگشت آن‌ها به وطن خود
- ۵- حق برخورداری اتباع زن ایرانی از حمایت‌های دولت در برابر اتباع سایر کشورها در

۶- حق برخورداری زنان ایرانی از حمایت‌های قانونی نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده با مردان غیر ایرانی با رعایت ضوابط.

۲.۳. حقوق اجتماعی زنان

حقوق اجتماعی یکی از موضوعاتی است که حقوقدانان برای شناخت مصادیق آن بسیار کوشیده‌اند در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برخی مصادیق حقوق اجتماعی ذکر شده است علاوه بر قانون اساسی، قانون عادی نیز حقوق اجتماعی را مهم شمرده و در خصوص این حقوق، قوانینی را وضع کرده که در خصوص حقوق اجتماعی زنان طی بندهای آتی مطالبی بیان می‌گردد.

۱. ۲. ۳. طلاق:

"طلاق" در لغت، به معنای رها کردن و آزاد کردن (گواهی، ۱۳۷۳: ۸۴) و در اصطلاح یعنی پایان دادن رابطه زناشویی به وسیله زن یا شوهر می‌باشد.

در مورد حق طلاق برای مردان، ماده ۱۱۳۳ سابق قانون مدنی مقرر می‌داشت: ((مرد می‌تواند هر وقت که بخواهد زن خود را طلاق دهد)). با این ترتیب، ابتکار عمل جدایی با مرد بود و در این خصوص نیازی به اجازه زن نداشت. البته، پاره‌ای از تدابیر تعدیل‌کننده نسبت به این ابتکار قانونی مقرر برای مردان صورت گرفت. قانون حمایت خانواده مصوب ۲۵/۱۱/۱۳۴۶، اجرای صیغه طلاق را پس از رسیدگی و صدور گواهی عدم امکان سازش مجاز دانست (ماده ۸) و سردفتران را، بدون ارائه این گواهی، از اجرای صیغه طلاق و ثبت آن منع کرد (ماده ۱۹). قانون حمایت خانواده ۱۵/۱۱/۱۳۵۳ نیز مشخصاً مواردی را که هر یک از زوجین می‌توانند حسب مورد براساس یکی از آنها درخواست صدور گواهی عدم امکان سازش نمایند در چهارده بند (نظیر توافق زوجین، عدم تمکین زن از شوهر، محکومیت همسر، ترک زندگی خانوادگی و ...) ذکر کرد (ماده ۸). پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی، براساس ماده ۱۹ لایحه قانونی دادگاه مدنی خاص مصوب ۱/۷/۱۳۵۸ شورای انقلاب، مقررات پیشین (ظاهراً به دلیل خلاف شرع بودن) نسخ و در تبصره ۲ ماده ۳ مقرر شد ((موارد طلاق همان است که در قانون مدنی و احکام شرع مقرر گردیده ولی در مواردی که شوهر به استناد آیه کریمه موضوع را به داور ارجاع می‌کند و در صورتی که بین زوجین سازش حاصل نشود اجازه طلاق به زوج

_____ بررسی و تحلیل سیر تحولات حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در ایران ۵

خواهد داد)). ماده واحده قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب آبان ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام بدین ترتیب تغییر یافت: ((از تاریخ تصویب این قانون، زوج‌هایی که قصد طلاق و جدایی از یکدیگر دارند بایستی جهت رسیدگی به اختلاف خود به دادگاه مدنی خاص مراجعه و اقامه دعوا نمایند، چنانچه اختلاف فی مابین از طریق دادگاه و حکمین، از دو طرف که برگزیده دادگاهند (آن طور که قرآن کریم فرموده است) حل و فصل نگردید، دادگاه با صدور گواهی عدم امکان سازش آنان را به دفاتر رسمی طلاق خواهد فرستاد. دفاتر رسمی طلاق، حق ثبت طلاق‌هایی را که گواهی عدم امکان سازش برای آن‌ها صادر نشده است، ندارند. در غیر این صورت، از سر دفتر خاطی سلب صلاحیت به عمل خواهد آمد)). در ارتباط با الزام مرد به مراجعه به دادگاه برای طلاق از سوی مرد، ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی در سال ۱۳۸۱ بدین ترتیب اصلاح شد که ((مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه تقاضای طلاق همسرش را بنماید)). با تصویب این اصلاحات و تغییرات، می‌توان نوعی محدودیت نسبی ابتکار طلاق برای مرد را استنباط نمود، هر چند که در صورت عدم سازش نهایتاً او به خواسته خود که همان طلاق است، بدون جلب رضایت همسر دست بیابد. (هاشمی، ۱۳۹۱: ۵۴۷ - ۵۴۶). در مورد حق طلاق برای زنان، تبصره ماده ۱۱۳۳ اصلاحی قانون مدنی مقرر می‌دارد: ((زن نیز می‌تواند با وجود شرایط مقرر در مواد ۱۱۱۹، ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ این قانون، از دادگاه تقاضای طلاق بنماید)). براساس این مواد: ۱- در صورت توافق طرفین، ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر ((... هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد، یا در مدت معینی غایب شود، یا ترک انفاق نماید، یا بر علیه حیات زن سوء قصد یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آن‌ها با یکدیگر غیرقابل تحمل شود، زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که، پس از اثبات تحقق شرط در محکمه، خود را مطلقه سازد)) (ماده ۱۱۱۹) ۲- ((در صورت استتکاف شوهر از دادن نفقه و عدم اجراء حکم محکمه و الزام به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه)) (ماده ۱۱۲۹).

۳- ((در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طالق نماید و، در صورتی که اجبار میسر نباشد، زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود)) (ماده ۱۱۳۰ اصلاحی ۱۳۶۱/۱۰/۸). همچنین، در صورتی که مرد برای مدت چهار سال غایب مفقودالثر باشد، زن او می‌تواند با رعایت تشریفات قانونی مربوط به موت فرضی، از دادگاه تقاضای طلاق کند که در این صورت، حاکم او را طلاق می‌دهد. ماده (۱۰۲۹). علاوه بر مراتب مذکور، قانونگذار در صورت ابتلاء مرد به جنون (ماده

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ ———
۱۱۲۱) و داشتن عیوب خصاء، عنن و مقطوع بودن آلت تناسلی (ماده ۱۱۲۲) برای زن حق فسخ نکاح را قائل شده است. (همان منبع، ص ۵۴۸-۵۴۷). براساس ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی، شوهر می‌تواند زن خود را از اشتغال به اموری که با مصالح خانوادگی یا حیثیت خود یا خانواده او منافات داشت، منع کند. در واقع شوهر به تشخیص خود می‌توانست زن خود را از اشتغال منع کند، ولی در ماده ۱۵ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ قید با تایید دادگاه بر آن افزوده شد. (افروز، ۱۳۹۶: ۶۵).

ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی از نتایج و آثار ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی است. ریاست شوهر بر خانواده از احکام مسلم این حکم شرعی است؛ اما از فتاوی فقها و مواد قانونی بر می‌آید که مخالف شوهر با اشتغال زن و خروج او از منزل، محدود به مصالح خانوادگی است. اگرچه قانون مدنی در مورد نحوه استفاده از ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی صحبتی ننموده است. اما با توجه به ماده ۱۸ قانون امور حسبی و رویه محاکم به نظر می‌رسد، مرد باید به دادگاه مراجعه نموده، پس از اثبات موارد مذکور در ماده، حکم دادگاه را تحصیل نماید. همچنین باید بیان نمود زوج به واسطه ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی تنها اختیار دارد با نوع شغل زوجه مخالفت نماید نه با اشتغال زوجه (خورسندیان، ۱۳۹۰: ۷۲).

به نظر نگارنده اینکه طلاق فقط از طرف مرد و بنا به درخواست ایشان باید صورت گیرد اجحاف در حق زنان محسوب می‌شود شاید در جوامع قدیم با عنایت به اینکه زنان در اجتماع نبودند و اصولاً در سنین کم ازدواج می‌کردند و وفق شرایط حاکم بر آن جامعه منطقی به نظر می‌رسید که طلاق از ناحیه مرد باید باشد ولیکن با تحولاتی که صورت گرفته و با وسایل ارتباط جمعی و اینکه دنیا به دهکده جهانی تبدیل شده است اختیار حق طلاق با مرد بودن را اجحافی در حق زن است و همیشه باید زنان ثابت کنند که از وجود این رابطه در عسر و حرج به سر می‌برند و برخی مواقع برای اثبات این موضوع که چند سال به طول می‌انجامد و با توجه به شرایط جسمی و روحی زنان و نیاز به بچه‌دار شدن بعد از طلاقشان دیگر نمی‌توانند ازدواج کنند و در طی این مدت برای اثبات عسر و حرجشان نیاز به تامین هزینه‌های زیادی خواهند شد و این برای زنانی که شاغل نیستند تبعات بدی در جامعه در پی خواهد داشت اینکه حق طلاق به مردان داده شد و جز در موارد استثنایی زنان نمی‌توانند طلاق بگیرند جای بسی تعجب است شاید با توجه به قوانین جدید مهریه به نفع مردان بهتر بود قانونگذار در خصوص طلاق زنان و متناسب با بخشش قسمتی از مهریه حق طلاق نیز برای زنان مقرر می‌کرد که متأسفانه این مهم صورت نپذیرفته است.

۳.۲.۲. فرزندخواندگی

هر چند قانون فرزندخواندگی مصوب ۱۳۵۳ در زمان خودش قانون مفیدی بود ولیکن دیگر پاسخگوی جامع به سوالات و ابهامات روزمره نبود لذا قانون حمایت از کودکان بی سرپرست و بد سرپرست در ۳۶ ماده و ۱۷ تبصره در سال ۱۳۹۲ به تصویب مجلس رسید براساس قانون این دختران در رتبه دوم اولویت اخذ فرزند خواندگی قرار دارند و زوجین بی فرزند در اولویت می باشند. در حال حاضر و براساس قانون، زنان مجرد تنها می توانند سرپرستی فرزندان دختر سازمان بهزیستی را عهده دار شوند. عدم سوء پیشینه و نداشتن محکومیت کیفری، عدم اعتیاد، داشتن تمکن مالی، دریافت تاییدیه جسمی و روانی از مراجع مربوطه و ادای فرائض دینی از جمله شرایط مورد نیاز دختران مجرد برای دریافت فرزندخواندگی می باشد.

یکی از ابتکارات مهم و بحث بر انگیز قانون جدید حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست که در مهرماه ۱۳۹۲ به تصویب مجلس رسید، شناسایی حق حضانت از این کودکان توسط زنان و دختران مجرد فاقد فرزند است. بند ج ماده ۵ این قانون، دختران و زنان مجرد را به شرط داشتن حداقل سی سال سن، واجد صلاحیت درخواست فرزندخواندگی تشخیص می دهد، منوط بر آن که فرزند مورد تقاضا دختر باشد. باید تغییرات صورت گرفته در قانون حمایت از کودکان بی سرپرست را در جهت امکان اعطای سرپرستی به زنان مجرد، گامی رو به جلو و متضمن منافع کودکان بی سرپرست از یک سوء، و آمال زنانی که به هر علتی قصد یا امکان ازدواج ندارند و در عین حال از مهر خدادادی بی مادری بی بهره نیستند، از سوی دیگر ارزیابی نمود. در روزها و ماههای نخست اجرایی شدن این قانون، زمزمه های مخالفت و حتی شگفت زدگی از عموم مردم و برخی مسئولین به گوش می رسید. اما حقیقت آن است که سرپرستی افراد مجرد نه تنها هیچ منع عقلی و اخلاقی ندارد، بلکه فرصت وسیع و بکری را برای کودکان بی سرپرست و بدسرپرست فراهم می آورد تا از گرمای مهر خانواده بهره ببرند و زندگی در بدنه خانواده را به عنوان مهمترین شاکله هویت اجتماعی خود تجربه کنند پذیرش این قانون در افکار عمومی پس از گذشت کمتر از دو سال خود نشانگر آن است که مخالفت ها با ایده سرپرستی زنان مجرد بیش از آن که پایه خردمندانه داشته باشد، ناشی از واهمه از شکستن تابویی بوده است که بی جهت به آن رنگ تقدس بخشیده بودیم. (ایرج زاده، ۱۳۹۷: ۱۷۸).

به نظر نگارنده یکی از تحولات خوب قوانین و مقررات اخیر، قانون ذکر شده است که اجازه داشتن فرزند و تحت سرپرستی گرفتن فرزندان بی سرپرست را به دختران مجرد می دهد چرا که در جامعه ما تعداد زیادی از دختران با تحصیلات عالی و تمکن های خوب مالی بنا به دلایل شخصی خود تمایلی به تشکیل زندگی مشترک ندارند و لیکن خواهان داشتن فرزندی هستند که بتوانند تمام هم و غم خود و احساسات درونی خود را به او منتقل کنند، که با توجه به تصویب

۳.۲.۳. اجازه ازدواج مجدد

ماده ۱۴ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۴۶ اختیار مرد برای ازدواج مجدد را موکول به اخذ اجازه از دادگاه کرده است و دادگاه در صورتی می‌تواند به مرد اجازه ازدواج مجدد دهد که توانایی مالی مرد و قدرت او به اجرای عدالت احراز کرده باشد و برای مردی که بدون اجازه دادگاه ازدواج کند، مجازات تعیین کرده است و در صورتی که چنین اتفاقی بیافتد، زن اول می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند. در ماده ۱۶ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳ در خصوص ازدواج مجدد مرد بیان شد که: ((مرد نمی‌تواند با داشتن زن، همسر دوم اختیار کند مگر به شروط ذیل: رضایت همسر اول - ترک زندگی خانوادگی از طرف زن و ...)). در سال ۸۷ که مجلس پیش‌نویس لایحه حمایت خانواده را عنوان کرد متأسفانه قید اجازه زن برای ازدواج مجدد مرد را در این لایحه حذف کرد که با اعتراض جمع زیادی از زنان مواجه گردید لذا پس از مدتی دوباره این قید در لایحه حمایت خانواده لحاظ شد.

به نظر نگارنده بیشترین اجحاف در حق زنان، اجازه ازدواج مجدد زوج، بدون اجازه زوجه می‌باشد گرچه که ضمانت اجرای ازدواج مجدد زوج آنقدر محکم و قوی نیست که موجب عدم ازدواج مجدد زوج شود و راه‌های زیادی برای فرار از قانون در دسترس زوج است، ولیکن همین ضمانت اجرای حداقلی نیز در خیلی از موارد برای زوجه راه‌گشا بوده و موجب ادامه زندگی مشترک آن‌ها شده است.

۳.۲.۴. سن بلوغ^۱:

از حساس‌ترین و مهمترین مراحل زندگی انسان، بلوغ است. برای بلوغ در مذهب‌های مختلف اسلامی، علامت‌های متعددی همچون احتلام، حیض، بارداری، رویدن موی درشت بر شرمگاه، بدبو شدن زیر بغل و رسیدن به سن معین، ذکر شده است.

۱. سن مورد قبول برای احراز بلوغ در قانون مدنی ایران نیز به تبعیت از فقه شیعه، نه سال تمام قمری برای دختر، و پانزده سال قمری برای پسر دانسته شده است. در قانون مدنی ایران نیز سن بلوغ شرعی، معیار قرار داده شده است؛ اما با این تفاوت که در مسائل مالی و کیفری، سن بلوغ را کافی ندانسته و احراز رشد شخص برای حکم به صحت اعمال حقوقی و تصرفات مالی وی، ضروری است، بدون آنکه سن خاصی به عنوان اماره قانونی رشد، تعیین و تصریح شده باشد. عمل نظام حقوقی ایران، سن هجده سال را سن رشد پذیرفته است و افرادی را که به سن هجده سال تمام شمسی رسیده‌اند، رشید فرض کرده و اعمال حقوقی ایشان را صحیح برشمرده است.

_____ بررسی و تحلیل سیر تحولات حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در ایران ۵

در ماده ۳ قانون ازدواج سال ۱۳۱۰ مقرر شده بود: ((هرکس برخلاف ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است مزاجت کند به شش ماه الی دو سال حبس جنحه‌ای محکوم خواهد شد و در صورتی که دختر به سن ۱۳ سال تمام نرسیده باشد لااقل به دو الی سه سال حبس جنحه‌ای محکوم می‌شود ... عاقد و خواستگار و سایر اشخاصی که شرکت در جرم داشته‌اند نیز به همان مجازات یا به مجازاتی که برای معاون جرم مقرر است محکوم می‌شوند...)). ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی چنین مقرر کرده بود: ((نکاح انث قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام و نکاح ذکور قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام ممنوع است. معذک در مواردی که مصالحی اقتضا کند با پیشنهاد مدعی‌العموم و تصویب محکمه ممکن است معافیت از شرط سن اعطا شود، ولی در هر حال این معافیت نمی‌تواند به انائی داده شود که کمتر از ۱۳ سال تمام و به ذکوری شامل گردد که کمتر از ۱۵ سال تمام دارند)). قانون حمایت خانواده در سال ۱۳۵۳ ماده ۲۳ مقرر کرد: ((ازدواج زن قبل از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و مرد قبل از رسیدن به سن ۲۰ سال تمام ممنوع است. معذک در مواردی که مصالحی اقتضا کند استثنائاً در مورد زنی که سن او از پانزده سال تمام کمتر نباشد و برای زندگی زناشویی استعداد جسمی و روانی داشته باشد به پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه شهرستان ممکن است معافیت از شرط سن اعطا شود. زن یا مردی که برخلاف مقررات این ماده با کسی که هنوز به سن قانونی برای ازدواج نرسیده است مزاجت کند حسب مورد به مجازات‌های مقرر در ماده ۳ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۶ محکوم خواهد شد)). پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۱ ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی بدین ترتیب اصلاح گردید: ((نکاح قبل از بلوغ ممنوع است. تبصره: عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی صحیح است به شرط رعایت مصلحت مولی علیه)). در سال ۱۳۷۰ تبصره مذکور بشرح زیر اصلاح شد: ((عقد نکاح قبل از بلوغ با اجازه ولی به شرط رعایت مصلحت مولی علیه صحیح می‌باشد)). سن بلوغ در ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی، ۹ سال قمری برای دختران و ۱۵ سال قمری برای پسران مقرر شده است.

به نظر نگارنده سن بلوغ اصولاً از فردی تا فرد دیگر متفاوت است و اگر نیاز به اعلام سن خاصی برای شروع سن بلوغ باشد، قرار دادن سن ۹ سال برای دختران و اجازه ازدواج آن‌ها صحیح نمی‌باشد شاید این سن برای زنان کشورهایی چون عربستان مناسب باشد (با توجه به فرهنگ اسبق و جثه آن‌ها)، و لیکن برای دختران ایرانی مناسب نیست. شاید نیاز باشد با توجه به مقتضیات زمان و مکان برخی قوانین و مقررات تغییر یابد.

نتیجه گیری

در دوران قاجاریه و زمان ناصرالدین شاه سیستم قضایی به نام عدلیه و دیوان خانه شکل گرفت و در آنجا به شکایات و اختلافات مردم رسیدگی می‌شد. شکایات و دعاوی حقوقی از سوی روحانیون و مجتهدین رسیدگی می‌شد و دعاوی غیر حقوقی از طرف مقامات دولتی حل و فصل می‌شد. در شهرستان‌ها نیز امور حقوقی را علما و امور حقوقی جزایی و انتظامی را حکومت‌ها حل و فصل می‌کردند. رئیس دیوان‌خانه از طرف شاه منصوب می‌شد.

قانون اساسی مشروطه و متمم آن، اولین قانونی بود که در ایران مورد استفاده قرار گرفت و تا زمانی که انقلاب اسلامی به پیروزی نرسیده بود این قانون، قانون اساسی ایران شناخته می‌شد در این قانون از حقوق زنان سخنی به میان نیامده بود. بعد از جنبش مشروطه رفته رفته قوانینی در خصوص زنان وضع گردید که حتی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز از آن‌ها استفاده می‌شد. با نگاهی به قوانین موضوعه بعد از انقلاب اسلامی محرز می‌گردد که به حقوق زنان در ایران در این مقطع بیش از هر زمانی توجه شده قطعاً یکی از دلایل توجه به اصول شرعی اسلام بوده چرا که دین اسلام با توجه به عصر جاهلیت و فرودستی زنان تلاش خود را بر این مساله متمرکز کرد که حقوق تضییع شده زنان در عصر جاهلیت را بازستاند و اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز صراحتاً تطابق قوانین با شرع را متذکر می‌شود و دلیل دیگر در خصوص توجه بیشتر به زنان در دوران اخیر، جنبش‌های بود که در سراسر جهان در خصوص زنان صورت می‌گرفت و همچنان نیز ادامه دارد و جمهوری اسلامی نیز بی‌تأثیر از اثرات این جنبش‌ها نبوده است. نکته دیگری که در خصوص توجه مضاعف جمهوری اسلامی به زنان در سال‌های اخیر قابل بیان است را می‌توان ناشی از توجه سازمان‌های جهانی به زنان دانست. در سال‌های گذشته سازمان‌های جهانی به حقوق زنان توجه بیشتری کردند و کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌هایی در خصوص زنان امضاء کردند از جمله کنوانسیون منع تبعیض علیه زنان. علی‌اجمال، بعد از انقلاب اسلامی قوانین زیادی در خصوص حقوق زنان وضع گردید و لیکن یکی از بهترین قوانین در دفاع از حقوق زنان قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ می‌باشد که برخی از مواد آن در متن مقاله بیان شده است. از تاریخ لازم‌الاجراء شدن قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، قوانین زیادی ملغی‌الاثرا گردیده است.

توجه خاص به حقوق زنان و فراهم نمودن امکانات الزم برای مشارکت زنان در فعالیت‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی و تساوی آنان با مردان در برابر قوانین با رعایت موازین اسلامی در اصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت بیان شده است علاوه بر قانون اساسی در قوانین دیگر (که همگی برگرفته از شرع و منطبق با موازین اسلام می‌باشند) نیز از حقوق زنان سخن به میان آمده است. مثلاً در قانون مدنی موادی به نفقه و نحله و اجرت‌المثل

_____ بررسی و تحلیل سیر تحولات حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در ایران ♦

و حق نگهداری از طفل و ... پرداخته است که امروزه زنان ایرانی با توجه به نصوص قانونی می‌توانند به مطالبه دیون خود پردازند. مضافاً اینکه اخیراً تغییراتی در خصوص ارث و دیه صورت گرفته که نشانگر توجه ویژه شرع و قانون به حقوق زن می‌باشد. علاوه بر کشور خودمان همان‌طور که بیان گردید در جهان بر روی حقوق زنان تمرکز شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر و کمیسیون رفع تبعیض و ... نشانگر توجه جامعه جهانی به حقوق زنان می‌باشد و لیکن با عنایت به نقش زن در محیط خانواده و نهایتاً اجتماع بجاست بیش از پیش به حقوق زنان توجه گردد، باشد که با توجه به زنان و حقوق آنان جامعه‌ای سالم داشته باشیم.

همانگونه که بیان گردید به حقوق زنان بیش از قبل توجه گردیده و لیکن بعضاً در بعضی زمینه‌ها نارضایتی زنان به چشم می‌خورد که باید بدون تعصب صاحب‌نظران و حقوقدانان، نظرات آنان را جمع‌آوری و خواسته‌های آنان را بررسی کنند و مواردی که مقتضیات زمان ایجاب می‌کند را تغییر دهند چرا که خیلی از احکام و قوانین با توجه به شرایط حاکم بر جامعه و متناسب با اقتضای آن زمان وضع گردیده و با تحولات جامعه و گذر زمان قابلیت خاصی ندارند.

منابع

قرآن

- آزادبخت، حمید (۱۳۹۵). **نگاهی به شخصیت زن ایرانی در جغرافیای سیاسی پس از انقلاب**، پژوهشنامه حقوق بشری، شماره ۶.
- افروز، ریحانه (۱۳۹۶). **ارزیابی و تحلیل حقوقی جایگاه زنان در قانون جدید حمایت از خانواده با رویکرد حقوق بشری**، پژوهش‌نامه حقوق بشری، شماره ۷.
- افشاربدر، زهرا (۱۳۹۷). **محدودیت‌های حقوق شهروندی زنان در دوره قاجار، با بهره‌گیری از شواهد ادبی**، ششمین همایش ملی متن پژوهی ادبی نگاهی تازه به ادبیات داستانی معاصر، تهران، هسته مطالعات ادبی و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ایرج زاده، زهرا (۱۳۹۷). **تحلیل فقهی و حقوقی فرزندخواندگی دختران مجرد و زنان بی شوهر با تاکید بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲**، دوره ۱۱، شماره ۳۹.
- بهمن پوری، عبدالله، جعفرپور، سهیلا (۱۳۹۶). **جایگاه فقهی و حقوقی مهریه در نظام حقوقی ایران با تاکید بر قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱**، فقه و حقوق خانواده، دوره ۲۲، شماره ۶۷.
- خورسندیان، محمدعلی (۱۳۹۰). **وضعیت حقوقی زوجین در قوانین موضوعه ایران و لایحه پیشنهادی حمایت خانواده**، فقه و حقوق خانواده، دوره ۱۶، شماره ۵۴.
- صادقی مقدم، محمد حسن، عزیزاللهی، محمد مهدی (۱۳۹۰). **سهم الارث زوجه در فقه و قانون مدنی**، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۲.
- قنوتی، جلیل (۱۳۷۹). **سیر تاریخی حقوق زن در قوانین موضوعه ایران**، کتاب نقد، شماره ۱۷.
- رنجبر، مسعود، فرخی، زهره (۱۳۸۵). **زن در قوانین و مقررات ایران**، امور بانوان سازمان آموزش و پرورش استان فارس.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۶۸). **ترمینولوژی حقوق**، کتابخانه گنج دانش، تهران.
- عمید، حسن (۱۳۸۶). **فرهنگ عمید**، چاپ سوم، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
- گواهی، زهرا (۱۳۷۳). **بررسی حقوق زنان در مساله طلاق**، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مرتاضی احمد، حاجی حسینی حسین (۱۳۹۵). **امکان سنجی شمول نفقه بر هزینه‌های درمانی و بهداشتی زن (با تاکید بر ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی)**، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۹، شماره ۷۴.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۵). **حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران**، نشر دادگستر.

_____ بررسی و تحلیل سیر تحولات حقوق سیاسی و اجتماعی زنان در ایران ۵
- هاشمی، سید محمد، شیبانی، زهره (۱۳۹۱). نوآوری‌های قانون حمایت از خانواده مصوب
۱۳۹۱ در ارتباط با حمایت از زوجه و پیشگیری از آثار سوء طلاق بر زنان، پلیس زن،
شماره ۲۴.